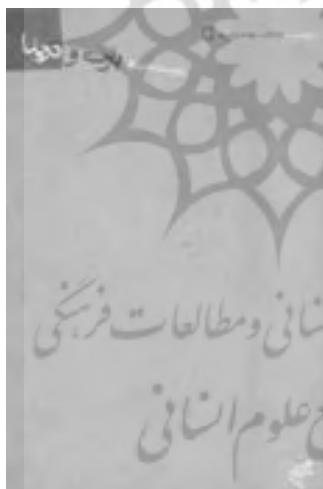


# اندیشه‌های رولان بارت و ژاک دریدا

در ادبیات، نشانه‌شناسی، هنر و فلسفه

مجتبی تبریزیا  
لیلا کشانی



\* مقالات هم‌اندیشی‌های بارت و دریدا

\* به کوشش: دکتر امیرعلی نجومیان

\* ناشر: فرهنگستان هنر، چاپ اول تابستان ۱۳۸۶

بهره برده‌اند، در این مقاله تلاش شده به اختصار معرفی شود. کتاب از دو بخش تشکیل شده است. بخش نخست با عنوان جداگانه «ادبیات و هنر» به معرفی، تبیین و نقد آثار و اندیشه‌های «رولان بارت» اختصاص دارد. در این بخش ده مقاله به قلم اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران و تعدادی دیگر از اساتید و صاحب‌نظران گنجانده شده است. مقالات این بخش، اندیشه‌ها و تعدادی از آثار قلمی رولان بارت را در زمینه‌های ادبیات، زبان، نشانه‌شناسی، نقد ادبی و ساختگرایی مورد توجه قرار داده‌اند. در بخش دوم که عنوان جداگانه «از فلسفه تا هنر» دارد طی پنج مقاله اندیشه‌ها و آثار «ژاک دریدا» به بحث گذاشته شده است. مقالات این بخش تأثیر اندیشه‌های دریدا به ویژه در فلسفه و هنر را مورد توجه

«رولان بارت» (۱۹۱۵-۱۹۸۰) و «ژاک دریدا» (۱۹۳۰-۲۰۰۴) دو اندیشمند فرانسوی معاصر هستند که با آثار و اندیشه‌های خود، حوزه‌های متعددی چون هنر، ادبیات، جامعه‌شناسی، فرهنگ، دین‌پژوهی، حقوق، علوم سیاسی و شاخه‌های دیگر علوم را سخت متأثر ساختند. ایرانیان با اندیشه‌ها و آرای این دو متفکر فرانسوی کم و بیش آشنایی دارند. تا کنون آثار چندی از آنها به زبان فارسی ترجمه شده است.<sup>۱</sup> مجموعه مقالات این کتاب حاصل دو همایش در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ است که با هدف معرفی و نقد و ارزیابی افکار ایشان شکل گرفت و در سال ۱۳۸۶ به چاپ رسید. مقالات این مجموعه به دلیل اینکه جنبه‌های مختلفی از دیدگاه‌های بارت و دریدا را مورد توجه قرار داده‌اند و بسیاری از آنها از منابع ترجمه‌نشده



ژاک دریدا

قرار داده اند.

در ادامه، ضمن حفظ تقسیم‌بندی دوگانه کتاب، در معرفی هر بخش، نخست زندگی علمی و خلاصه‌ای از آثار و افکار دو متفکر یادشده مرور می‌گردد، سپس مقالات مجموعه معرفی می‌شود.

## بخش اول: مقالات هم‌اندیشی رولان بارت: ادبیات و هنر

### درباره رولان بارت:

پیش از معرفی مقالات، مروری بر زندگی‌نامه علمی بارت با استفاده از مطالب مقدماتی کتاب (به قلم دبیر همایش) و مقالات بعدی می‌تواند راهگشا باشد:

رولان بارت شاخص‌ترین چهره از نسل نشانه‌شناسان و منتقدان ادبی‌ای بود که در دهه ۱۹۶۰ در فرانسه درخشیدند. او به عنوان منتقد ادبی، منتقد هنری، نشانه‌شناس، و نویسنده، امروزه به همراه «کلود لوی اشتراوس»، «میشل فوکو» و «ژاک لاکان»، چهره‌های تاریخی نهضت ساختارگرایی را تشکیل می‌دهند. بارت کارش را با تدریس در *Ecole Pratique des Hautes Etudes* پاریس آغاز کرد و در زمان مرگش استاد نشانه‌شناسی ادبی (عنوانی که خود برگزیده بود) کالژ دو فرانس بود. نخستین کتابش - درجه صفر نوشتار (۱۹۵۰) - نوشته‌ای بسیار بحث‌انگیز درباره تاریخ سبک ادبی در فرانسه بود که تأثیرات «ژان پل سارتر» در آن کاملاً مشهود است. همچنین او در *اسطوره‌شناسی* (۱۹۵۷) به تحلیل نمونه‌هایی از به اصطلاح فرهنگ «عامه‌پسند» و فرهنگ «والا» پرداخت. رولان بارت در جریان مجادله‌ای با «ریموند پیکارد» - از استادان سنت‌گرای سوربون - به شاخص‌ترین چهره سنت‌شکن در جریان نقد ادبی و جنبش «نقد نو» بدل شد. این جنبش، که از رمان نوی فرانسوی الهام می‌گرفت، در دهه ۱۹۶۰ وابسته به جناح چپ تندرو و از نظر روش‌شناختی نیز بسیار متأثر از شیوه‌های ساختگرا و نظریات «سوسور» و «یاکوبسن» بود.

رولان بارت از همان آغاز تحقیقات ادبی‌اش به نقد، توجه نشان داد و با یک قدرت‌نمایی به یاد ماندنی، نقد متعهد را به جای ادبیات متعهد با صلابت مطرح کرد، سپس آثار چندی عرضه نمود که بعضی از آنها موجبات مناظرات قلمی را فراهم کردند. در همین راستا او وجود انواع نقد را ریشه‌یابی و بررسی نمود و به منظور شناساندن آنها، مقالات تشریحی متعددی منتشر کرد. به‌علاوه، برای امروزی کردن آثار کلاسیک فرانسه، در نقدهایش از مکتب اصالت ساختی و روانکاوی، آن‌هم با برداشت مارکسیسم تاریخی، استفاده کرد و ناخواسته در بحران دانشجویی مه ۱۹۶۸ تأثیرگذار شد.

بارت در سال ۱۹۶۴ کتابی با عنوان «عناصر نشانه‌شناسی» و در ۱۹۶۶ نیز مقاله‌ای تأثیرگذار به نام «درآمدی بر تحلیل ساختار روایت» منتشر کرد. در این دوره به نظر می‌رسد او نیز در جست‌وجوی آرمان ساختگرایانه «علم» نقد ادبی است. بعدها و شاید تا حدی تحت تأثیر «دریدا» و «لاکان» کانون توجه او از کاوش برای یافتن قواعد و قراردادهای عام روایت به چگونگی تولید معنا در فرآیند خواندن تغییر کرد. در مقاله بسیار تأثیرگذاری که در سال ۱۹۶۸ تحت عنوان «مرگ مؤلف» نوشت، مدعی شد که «تولد خواننده به بهای مرگ مؤلف ممکن می‌شود»؛ گفته‌ای که به یکی از مبانی پس‌ساختارگرایی بدل شده است. شاید بتوان گفت مهم‌ترین کار بارت در حوزه نقد ادبی «اس / زد» (۱۹۷۰) است. این اثر شرحی بر داستان کوتاهی از بالزاک به نام *سارازین* است. بارت در این کتاب مباحث نظری بدیعی مطرح کرده است. روش او در تحلیل *سارازین* به کلی با روش‌هایی که در روایت‌شناسی ساختگرا به کار رفته می‌شد، متفاوت است. او متن را به واحدهای معنایی کوچک (*lexias*) تقسیم می‌کند و می‌کوشد نشان دهد چطور هر یک از این واحدها به طور همزمان و در سطوح یا رمزگان‌های مختلف، معانی متفاوتی تولید می‌کنند. در «اس / زد» است که او تمایز میان متون خواندنی (*lisible*) و نوشتنی (*scriptable*) را معرفی می‌کند. مقصود او از متون «نوشتنی» آن



بازگو کننده یویابی، عدم دنباله‌روی، علم‌گرایی و به شیوه‌ای متناقض خصیصه «هرج و مرج طلبانه» رویه و منش اوست. او در برابر ادبیات و علم همواره وضعیتی نامتعادل و مبهم به خود می‌گیرد و از علم و ادبیات به نفع فعالیت‌ی والاتر یکسره تقدس‌زدایی می‌کند؛ فعالیت‌ی والا و هنرمندانه به نام «نوشتار».

بارت توجه خاصی به ادبیات و زبان و در نتیجه زبان‌شناسی داشته است. اما آنچه که بیش‌تر از همه در آثارش مورد توجه خود او قرار گرفته، متن و لذت حاصل از آن، نوشتار و تاریخ بوده است. او با نوشتاری طنزآلود، دقیق، صریح و انقلابی، چهره‌ای ابهام‌آلود و ناآرام از خود ارائه کرده است. بارت همواره با بسیاری از آوانگاردها و پیشکسوتان ادبی و جریان‌های فکری نوین در تحلیل سخن و متن در ارتباط بود تا نفسی تازه در خوانش و نوشتار ایجاد نماید. از این رو، نوشته‌هایش در مسیر اندیشه‌های فلسفی، نقد و روان‌شناسی دستخوش تحولات بسیاری گشته است.

بارت دارای عقاید و نظریه‌های بسیار ارزشمندی در ارتباط با مطالعات زبانی هم است. اما، نباید فراموش کرد که اگرچه هر یک از نظریه‌های بارت در جایگاه خود سودمند است، ولی به دلیل تناقضات فراوانی که در آنها وجود دارد، خواننده آگاه باید توانایی تفکیک داده‌ها را از یکدیگر داشته باشد. به دیگر سخن، او فاقد روشی منسجم و مدلی قابل استفاده در مطالعات زبانی است.

بارت در دهه پایانی عمرش از مسائل و روش‌های مربوط به حوزه نقد ادبی دور شد و شروع به نگارش متونی کرد که آگاهانه در تمایز متعارف میان منتقد و آفریننده، داستان و غیر داستان و ادبیات و غیر ادبیات تردید می‌کرد؛ از جمله لذت متن (۱۹۷۵)، رولان بارت نوشته رولان بارت (۱۹۷۷) و گفتمان یک عاشق (۱۹۷۸). او پیوسته با رد یک گفتمان و رو آوردن به گفتمانی دیگر هواداران و همچنین مخالفان خود را گیج و آشفته کرد و به این ترتیب به این گفته خود در مرگ مؤلف معنا بخشید که «نویسنده مدرن همزمان با متن به دنیا می‌آید و به هیچ وجه مجهز به

دسته از نوشته‌ها هستند که خواننده را به مشارکت فعال در تولید معنایی که حد و پایانی بر آنها نمی‌توان متصور شد، دعوت می‌کنند. گروه اول را صرفاً به این دلیل «خواندنی» نامیده است که باید تسلیم آن باشد. در این نوع ادبیات گذر از دال به مدلول واضح، از پیش تعیین شده و اجباری است. اما ادبیات از نوع دوم یعنی متون نوشتنی، ما را خودآگاهانه به خواندن فرامی‌خواند تا به آن بیبندیم و از رابطه متقابل و تعامل بین نوشتن و خواندن آگاه باشیم و سرانجام به ما لذت مشارکت، لذت همراهی در کار نوشتن و لذت مؤلف بودن می‌دهد. در دهه شصت بارت یکی از مؤثرترین پرچمداران شیوه‌های تبیینی در زمینه ادبیات بود. دید تبیینی از تجربه‌گرایی توصیفی علوم طبیعی و خاستگاه گسترش سرسام‌آور علوم انسانی در طول قرن بیستم است در شخص رولان بارت، هوادار و بدعت‌گذاری را می‌یابد که در لزوم ایجاد رشته‌های علمی با موضوع ادبیات به یقین رسیده است.

به اعتقاد بارت ادبیات، پذیرای دانش است؛ ادبیات همچون علم، روشمند است. یعنی «برنامه‌های خاص خود را برای پژوهش دارد»؛ ادبیات مانند علم، قواعد کارکرد خود را از درون خود بیرون می‌کشد؛ و در نهایت علم و ادبیات هر دو گفتمان هستند. با این وجود بارت به دقت بر تفاوت اساسی علم و ادبیات تأکید می‌کند: «علم زبان را وسیله خود می‌کند در حالی که زبان هستی ادبیات است». بارت آشکارا از این نکته سود می‌جوید و خاطر نشان می‌سازد که ادبیات از طریق همین بُعد زبانی خویش بر فرهنگ و جامعه تأثیر می‌گذارد. بدین ترتیب همانندسازی میان ادبیات و زبان به کمال می‌رسد. با این دید که ادبیات و زبان یکی هستند، کافی است زبان را مورد مطالعه قرارداد تا به «هستی» ادبیات دست یافت. چون مطالعه زبان اساساً و به‌ویژه در حوزه توانایی علم زبان‌شناسی تاریخی و پس از آن علوم زبانی شکل می‌گیرد، بنابراین ضرورت به‌کارگیری علم ادبیات به وسیله جایگزینی دیگر آشکار می‌شود (ادبیات جای زبان را می‌گیرد). در استدلال بارت وظیفه به‌کارگیری استدلال تبیینی در زمینه ادبیات برعهده الگوی مسلط حاضر یعنی ساختارگرایی است. «ساختارگرایی در ادبیات، که محصول زبان است، چیزی فراتر از خویشاوندی می‌یابد: آنچه او در ادبیات می‌یابد نوعی همگنی است».

یکی از مقالات بارت با عنوان «از علم تا ادبیات» که هم منقح است و هم روشمند، اثباتی نیست اما تبیینی (در معنای عام) است و اعتقاد نویسنده درباره آینده علم، ادبیات و علم ادبیات در آن مطرح شده‌اند. در این مقاله اراده بارت برای برکشیدن شأن ادبیات با تکیه بر علم به چشم می‌خورد. بارت به ادبیات شأن رشته‌های تخصصی را اعطا می‌کند و سپس آن را زیر لوای ساختارگرایی قرار می‌دهد (برآیندی کمابیش استعلایی از ادبیات و علم) و در انتها ساختارگرایی را به مأمون خود، یعنی نوشتار رهنمون می‌سازد. صورت منحصر به فرد استدلال بارت با تکیه بر نمونه‌ها، در نهایت



رولان بارت

مطالعات خود از ساختگرایی تا پساساختگرایی در نوسان است. به نظر او اگرچه هریک از نظریه‌های بارت در جایگاه خود سودمند است ولی در عین حال تناقضات فراوانی نیز میان آنها وجود دارد و روش منسجمی را نشان نمی‌دهند.

- رولان بارت و یادداشت‌های شخصی روزمره / فریده علوی: نویسنده ضمن توجه به آثاری که به عنوان یادداشت‌های شخصی روزمره رولان بارت در نظر گرفته شده‌اند، نحوه تقابل بارت با تضادها و تفاوت‌های نوشتاری خود را ارزیابی می‌کند. بارت از یک سو یادداشت‌نویسی روزانه و خاطرات‌نویسی از منظر زمانی، موضوعی، زبانی، شکلی و بالاخره اصالت آن را محکوم می‌کند و از سوی دیگر برهه‌هایی از خاطرات روزمره خود را به رشته تحریر درمی‌آورد و به چاپ می‌رساند. به نظر نویسنده این تقابل در نهایت منجر به پیدایش شکل نوینی از یادداشت‌نویسی شد که برخلاف ماهیت درونگرای آن، برون‌گرا و مخالف هرگونه بازنویسی آینه‌وار واقعیت می‌گردد.
- نگاهی ساختاری به امپراتوری نشانه‌های رولان بارت / ناصر فکوهی: در این مقاله رویکرد خاص رولان بارت در کتاب امپراتوری نشانه‌ها از دیدگاهی انسان‌شناختی به بحث گذاشته شده است. این کتاب روایتی است از سفر بارت به ژاپن که در خلال آن با تصویری که بارت از این کشور می‌سازد آشنا می‌شویم. در این مقاله تلاش می‌شود تا تحلیلی ساختاری، اندیشه بارتی از طریق مناسبات دوگانه و نشانه‌شناختی فرهنگ ژاپنی، آن را به کار گیرد تا فرهنگ خود را بهتر به تحلیل کشیده و سازوکارهای درونی‌اش را نمایان سازد.
- رولان بارت: تقلید به عنوان گریز از اصل / بهزاد قادری: در این گفتار از سه زاویه به رولان بارت نگریسته شده است. نخست نقش بارت به عنوان آموزگار و اندیشمندی چندسویه‌نگر است که طی آن اندیشه‌های کاربردی او درباره نقش آموزگار و آموزش بررسی شده است. دوم کاربرد بارت در درس نقد ادبی با تأکید بر مقالات کوتاه او، به ویژه «فعالیت ساختگرایانه» است. سوم اهمیت اندیشه‌های بارت در پیوند با خوانش‌ها و بازنمایی‌های نو از آثار به اصطلاح کلاسیک است.
- رولان بارت و نشانه‌های تصویری / ژاله کهنمویی‌پور: این مقاله با بررسی یک نوشته بارت در جلد سوم مقالات نقد آغاز می‌شود. از نظر بارت نوشتار و نقاشی دارای منشأ واحدی هستند و آن حرکت است. با حرکت دست و قلم، اندیشه به صورت نشانه‌ای قابل رؤیت درمی‌آید، حال این اندیشه می‌تواند تصویری را ارائه

وجودی مقدم بر نوشتار و فراتر از آن نیست؛ نهادی نیست که کتاب، گزاره آن باشد؛ هیچ زمان دیگری به جز زمان بیان وجود ندارد و متن جاودانه در اینجا اکنون نوشته می‌شود».

مقالات این بخش به شرح است:

- شعر و نثر از دیدگاه رولان بارت / الله‌شکر اسداللهی: به نظر بارت شعر و زبان شعری، به لحاظ ساختار و به دلیل نحوه کاربرد و وجود درونمایه‌های معنایی در آن، مرزهای ملموس و محسوس نثر را پشت‌سر می‌گذارد و به نشانه‌هایی که بیانگر جهانی فرازبانی، فرامکانی و حتی فرانسائی می‌باشند، تبدیل می‌گردد. در این مقاله دیدگاه بارت مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است.
- منطق استدلال در مقاله «از علم به ادبیات» رولان بارت / اسفندیار اسفندی، ترجمه: عباس فرهادنژاد: نویسنده در این مقاله نخست، مقاله مشهور بارت با عنوان «از علم به ادبیات» را توصیف و معرفی می‌نماید، سپس به بررسی و واپسگرایانه اعتبار و بُرد استدلال بارت در مقاله یادشده می‌پردازد.
- خاستگاه اندیشه بارت در نشانه‌شناسی / احمد پاکتچی: به بررسی تأثیر اندیشه‌های بارت در ثمردهی جریان فکری ساختگرا می‌پردازد و نقش او را در انتقال از ساختگرایی درون‌رشته‌ای یا درون‌گرا به ساختگرایی با افق باز یا برون‌گرا که در آن نظام بسته ساختار، از نظام‌های تکراررشته‌ای مانند زبان یا ادبیات، به نظامی مشتمل بر طیفی از رشته‌ها و در نهایت همگی رشته‌های علوم انسانی گسترش یافت، روشن می‌سازد.
- رولان بارت و سیر تحول نقد نو در فرانسه / طهمورث ساجدی: نقد نو در فرانسه، جریانی جدید است. این علم موجودیت نوی خود را بیش از همه مدیون آراء رولان بارت بوده است. مقاله حاضر به بررسی و تحقیق درباره سیر تحول نقد در آثار بارت می‌پردازد.
- بارت: از ساختگرایی تا آستانه واسازی / حمیدرضا شعیری: در این مقاله جنبه‌های مختلف دیدگاه‌های بارت نسبت به زبان مورد مطالعه قرار گرفته است. نویسنده نشان می‌دهد که بارت در



لوگوس، تئولوژی و نظایر آن در نگاه اول این تصور را پدید آورده که اندیشه وی با مباحث دینی درگیر بوده است. اما این کاربردها، امری از مقوله و امگیری برای مقاصد دیگر است و اصطلاحات دینی برای دریدا کمتر از کاربرد گراماتولوژی جدی است که آن را نیز البته در معنایی دیگر به کار برده است. فلسفه دریدا در بردارنده طیف وسیعی از اندیشه‌های همسان با اندیشه‌های عرفانی از قبیل مفهوم ارزشمندی حیرت، نفی انانیت و دیگر بودگی تا نجات بخشی است. با این همه برخی از تفاوت‌های اساسی همچون مسأله خیر و شر، نقش عمل در پیمودن مسیر سلوک و رهایی و مسأله وجود حقیقی محض، اندیشه دریدا را از سنت‌های عرفانی متمایز می‌سازد. بر اساس این تفاوت‌ها، باید گفت اندیشه دریدا از سنخ و ماهیت دیگری است و نظام اندیشه‌های عرفانی شامل برخی عناصر و ساختار، به منزله یک مدل در اندیشه دریدا به کار گرفته شده است؛ فارغ از آنکه مدل‌سازی با آگاهی از مدل‌های عرفانی بوده است یا ناشی از توارد تلقی گردد. درباره اینکه چرا دریدا آگاهانه یا از باب توارد به چنین مدلی دست یافته است، ریشه همسانی‌ها را باید در فضاهای گفت‌وگویی جست‌وجو کرد که این اندیشه‌ها در دامان آن پرورش یافته‌اند. آنچه در این فضاها می‌توان به طور مشترک بازجست و آن را زمینه‌ساز اندیشه و اساسی به معنی اعم دانست، تورم مجموعه‌های فراهم آمده از دانایی و قاعده‌های حاکم بر آن است، مجموعه‌هایی که در پی عدم پاسخگویی و غرق شدن در دانایی بودگی، بی‌اعتباری آنها بر گرایندگان به واسازی ثابت شده است.

مقالات بخش دوم به شرح است:

- تأثیر اندیشه‌های ژاک دریدا در هنر پست مدرن / مهرداد احمدیان: نویسنده با توصیف نمونه‌هایی از آثار معماری، نقاشی، مجسمه‌سازی پست مدرن که تصاویر تعدادی از آنها نیز در مقاله به چاپ رسیده به واکاوی تأثیر اندیشه‌های ساختار شکنانه دریدا در هنر پست مدرن می‌پردازد.
- واسازی دریدا در برداشت آشنایان با سنت‌های عرفانی شرق / احمد پاکتچی: این مقاله به بازشناسی عناصر دینی و عرفانی در

کند یا زنجیرهای از واژه‌ها را. این مقاله در پی آن است که دریابد نگرش بارت به متن ناخوانا چیست و چه قرابتی بین متن نوشتاری و تصویر وجود دارد و تصویر این ناخوانایی چگونه در آثار بارت تعبیر می‌شود. در این مقاله همچنین ارتباط میان متون تصویری و قطعه‌نویسی بارت بررسی شده است.

● بارت و بینامتنیت / بهمن نامور مطلق: منظور از بینامتنیت این است که هر متنی یک متن بینامتن است. دیگر متن‌ها در سطوح متغیر و با شکل‌های کمابیش قابل شناسایی در آن حضور دارند. در این مقاله کوشش شده تا ضمن تعریف بینامتنیت نزد بارت و تفاوت آن با برخی دیگر از پژوهشگران بزرگ در این حوزه، به نقش بارت در شکل‌گیری بینامتنیت و نقش بینامتنیت در توسعه نظریات اصولی بارت پرداخته شود، همچنین کاربرد بینامتنیت در ادبیات و هنر نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

## بخش دوم: مقالات هم‌اندیشی دریدا: از فلسفه تا هنر

### درباره ژاک دریدا:

«ژاک دریدا» از معدود اندیشمندان سده اخیر است که بر طیف وسیعی از معرفت انسانی تأثیر داشته است. نظریه دیکانستراکشن (واسازی)، خوانش نوینی از متون فلسفه، روان‌شناسی، ادبیات، دین‌پژوهی، حقوق، علوم سیاسی، علوم تجربی و هنر عرضه کرده است و مهم‌ترین گرایش در نقد پسا ساختگرا محسوب می‌شود. در یک کلام، این فیلسوف فرانسوی با نقد فرضیه‌های متافیزیکی به بررسی تناقض‌های زبان ادبی و فلسفی پرداخت. شروع نفوذ اندیشه دریدا در حوزه‌های دیگر دانش و معرفت بشری از نگاه او به زبان آغاز می‌گردد. بیشتر نوشته‌های دریدا در چند دهه اخیر به شکلی به مسأله زبان می‌پردازند. عده‌ای اندیشه دیکانستراکشن را نظریه‌ای نیهیلیستی معرفی می‌کنند که در آن معنی، همیشه غایب است و ما در بازی نشانه‌ها سرگشته‌ایم. اما دریدا می‌گوید: «هیچگاه از شگفتی‌های من کاسته نمی‌شود زمانی که می‌بینم منتقدانی اعلام می‌کنند که آثار من می‌گوید چیزی فراسوی زبان وجود ندارد، که ما در زندان زبانیم. نوشته‌های من در واقع عکس این را می‌گویند». نقد کلام خرد محوری، بیش از هر چیز دیگر جست و جویی است برای «دیگری» و «دیگری ادبیات». برای دریدا زبان همواره به دیگری خطاب می‌شود و وعده وجود «دیگری» را می‌دهد. این خود به زبان دریدا نوعی رهایی زبانی و اندیشه است. در خصوص مسأله دین نیز با آنکه مستقیماً موضوع مطالعه دریدا را تشکیل نداده است، بسیاری از پژوهشگران ادیان، گونه‌های دینی پست‌مدرن را در افکار دریدا یافته‌اند. استفاده دریدا از برخی اصطلاحات دینی مانند

## «ژاک دریدا» از معدود اندیشمندان سدهٔ اخیر است که بر طیف وسیعی از معرفت انسانی تأثیر داشته است. نظریهٔ دیکانستراکشن (واسازی)، خوانش نوینی از متون فلسفه، روان‌شناسی، ادبیات، دین‌پژوهی، حقوق، علوم سیاسی، علوم تجربی و هنر عرضه کرده است و مهم‌ترین گرایش در نقد پسا ساختگرا محسوب می‌شود. در یک کلام، این فیلسوف فرانسوی با نقد فرضیه‌های متافیزیکی به بررسی تناقض‌های زبان ادبی و فلسفی پرداخت.

دو موضوع در منابع دیگری قابل دستیابی است دست‌کم شایسته بود در یادداشت‌های مقدماتی به آن اشاره می‌شد. متأسفانه در هیچ‌یک از مقالات این مجموعه شناختی کامل، جامع و مختصر از دو متفکر بررسی شده وجود ندارد.

### پی‌نوشت

۱. از رولان بارت تا کنون آثار زیر به فارسی ترجمه شده است:
  - اتاق روشن: اندیشه‌هایی دربارهٔ عکاسی، ترجمه: نیلوفر معترف، نشر چشمه، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ (چاپ اول: ۱۳۸۰).
  - اسطوره، امروز، ترجمه: شیرین‌دخت دقیقیان، نشر مرکز، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ (چاپ اول: ۱۳۷۵).
  - امپراتوری نشانه‌ها، ترجمه: ناصر فکوهی، نشر نی، چاپ سوم، ۱۳۸۶ (چاپ اول: ۱۳۸۳).
  - بارت و سینما، ترجمه: مازیار اسلامی، نشر گامون، چاپ اول، ۱۳۸۴.
  - برج ایفل، ترجمه: مگوه رازانی، نشر و پژوهش فرزندان روز، چاپ اول، ۱۳۸۱.
  - پروست و من، ترجمه: احمد اخوت، نشر افق، چاپ اول، ۱۳۸۳.
  - درجه صفر نوشتار، ترجمه: شیرین‌دخت دقیقیان، شهرکتاب و هرمس، چاپ اول: ۱۳۷۸، چاپ دوم: ۱۳۸۴.
  - رولان بارت، ترجمه: پیام یزدان‌جو، نشر مرکز، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
  - سخن عاشق: گزیده گوینده‌ها، ترجمه: پیام یزدان‌جو، نشر مرکز، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
  - عناصر نشانه‌شناسی، ترجمه: مجید محمدی، نشر بین‌المللی الهدی، چاپ اول، ۱۳۷۱.
  - مقاله «برج ایفل» در مجموعه مقالات: فرهنگ و زندگی روزمره (۱)، ترجمه: یوسف ابادزی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
  - کتاب سوم تئاتر در غرب از عهد باستان تا عصر باروک، ترجمه: نادعلی همدانی، نشر نمایش، چاپ اول، ۱۳۷۱.
  - لذت متن، ترجمه: پیام یزدان‌جو، نشر مرکز، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ (چاپ اول: ۱۳۸۲).
  - مقاله «اسطوره در زمانه‌ی حاضر» در مجموعه مقالات: مسائل نظری فرهنگ، ترجمه: یوسف ابادزی، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
  - مقاله «از اثر تا متن» در مجموعه مقالات: نقد ادبی نو، ترجمه: مراد فرهادپور، نشر مرکز، چاپ سوم، ۱۳۸۵ (چاپ اول: ۱۳۷۷).
  - کتاب‌های زیر نیز از ژاک دریدا به فارسی ترجمه شده است:
    - جهان وطنی و بخشایش، ترجمه: امیرحوشنگ افتخاری‌راد، نشر گامون، چاپ اول، ۱۳۸۴.
    - مواضع، ترجمه: پیام یزدان‌جو، نشر مرکز، چاپ اول: ۱۳۸۱، چاپ دوم: ۱۳۸۶.
    - معضل‌ها: مردن - منتظر خود بودن در «حدهای حقیقت»، ترجمه: مهشید نونهالی، نشر فرهنگ صبا، چاپ اول، ۱۳۸۷.

اندیشهٔ دریدا می‌پردازد و تلاش می‌کند ضمن روشن ساختن ریشه و خاستگاه این عناصر، تأثیر عرفان یهودی و عرفان اسلامی را در آن بازجوید.

- دلالت از سوسور تا دریدا / فرزنان سجودی: مقاله‌ای است در زبان‌شناسی که نویسنده ابتدا به معرفی مختصر دیدگاه‌های هوسرل به مثابه فیلسوفی خردگرا می‌پردازد، سپس به رویکرد ساختارگرایانهٔ سوسور نسبت به زبان اشاره شده می‌شود، سرانجام با نگاهی به آرای دریدا، به رویکرد پسا ساختگرایانه نسبت به زبان، نگاهی انتقادی شده است.
- معماری‌های در تقابل با دریدا / محمدمنصور فلامکی: موضوع مقاله حاضر ساختارشناسی اندیشه‌های دریدا در زمینهٔ معماری است. نویسنده تقابل‌ها و تفاوت‌های دو فضای اندیشه‌ای معماری، یکی غرب و دیگری ایران را از منظر نظریه‌های ساختارشناسانهٔ دریدا مورد بحث قرار می‌دهد و بر اصالت هنر معماری ایرانی تأکید می‌ورزد.
- دریدا و پارادوکس‌های زبانی در ادبیات / امیرعلی نجومیان: مقاله حاضر با تکیه بر چند نوشته از دریدا می‌پرسد که سرشت زبان ادبی در اندیشهٔ دریدا چیست؟ در پاسخ به این سؤال نویسنده بر این اعتقاد است که زبان ادبی دارای سرشتی پارادوکسی است. سه پارادوکس اصلی در این مقاله مطرح می‌شود: نخست پارادوکس یکه بودن و متکثر بودن زبان ادبی؛ دوم پارادوکس سرشت ارجاعی زبان ادبی است که با خود ارجاعی زبان ادبی در تضاد است؛ سرانجام مقاله حاضر به تضاد نفی و اثبات در زبان ادبی می‌پردازد. در پایان نویسنده بر آن است که واسازی این سه پارادوکس، زبان را به مرزهای وجود متافیزیکی می‌کشاند.

### یک نکته

اگرچه مقالات این مجموعه برآیند دو هم‌اندیشی بوده و دراصل به صورت سخنرانی ارائه شده است، اما زمانی که کسوت کتاب به خود گرفته، تفاوت‌هایی می‌یابد. وسیلهٔ انتقال پیام در قالب هم‌اندیشی با کتاب تفاوت دارد. در هم‌اندیشی عموم حاضران، چه سخنرانان و چه مستمعان با موضوع آشنایی دارند و الا حضور نمی‌یافتند، اما یک کتاب ممکن است در زمان‌ها و مکان‌ها و شرایط دیگری به دست مخاطب برسد. به این تفاوت از آن رو اشاره شد که نشان داده شود کتاب حاضر به مطالب دیگری نیز نیاز داشت تا مجموعه‌ای کامل‌تر گردد. مهم‌ترین مطلبی که جای آن در این مجموعه بسیار خالی است، زندگینامهٔ علمی دو متفکر فرانسوی است. همچنین مآخذشناسی کاملی از آثار آن دو بر جامعیت اثر می‌افزود. اگر این